ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دورهٔ دوم متوسطه بر اساس دو مؤلفهٔ "ساختار" و "تحقق اهداف پیش‌بینی شده"

دکتر حیدر قمری*

چکیده

هدف مطالعهٔ حاضر[1]، ارزیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دورهٔ دوم متوسطه(سال دوم و سوم آموزش متوسطه، رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی) با ترسیم وضعیت موجود دو کتاب در قالب دو مؤلفهٔ "ساختار محتوا" و "تحقق اهداف پیش‌بینی شده" است. پژوهش از نوع ارزشیابی است و با تلفیق الگوی "تحقق هدفها" و الگوی "مبتنی بر نظر خبرگان" انجام شده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل متخصصان تاریخ ادبیات، دبیران دو کتاب تاریخ ادبیات و نیز دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم رشتهٔ علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۴- ۱۳۹۳ بوده است. نمونه‌گیری پژوهش به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده که مطابق آن ۱۴۵۴ نفر از ۴ استان انتخاب شده‌اند. ابزارهای پژوهش عبارت اند از: فرمهای مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان، پرسشنامهٔ دبیران و آزمونهای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. روایی محتوایی آزمون پیشرفت تحصیلی با استفاده از نظرات چند معلم متخصص و پایایی آن از طریق برآورد ضریب کودور ریچاردسون محاسبه شد. روایی محتوایی پرسشنامه دبیران با استفاده از نظرات چند متخصص موضوعی به دست آمد و پایایی آن از طریق برآورد ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ تعیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ساختار دو کتاب تاریخ ادبیات سال دوم و سوم متوسطه بر اساس شیوه‌های پذیرفته‌شده نیست و دو بخش تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان به یک شیوه تألیف نشده است. اهداف برنامهٔ درسی نیز تحقق پیدا نکرده است.

کلید واژگان: ارزشیابی، اهداف برنامهٔ درسی، تاریخ ادبیات، دوم و سوم متوسطه، ساختار کتاب

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱

* استادیار دانشگاه فرهنگیان(نویسنده مسئول) heydarq@yahoo.com

۱. این نوشتار بخشی از یک مطالعهٔ گسترده‌تر نگارنده با عنوان «ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دورهٔ دوم متوسطه(سال دوم و سوم آموزش متوسطهٔ کنونی، رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی)» است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

مقدمه

از میان موضوعات برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی دورهٔ متوسطه، سودمندی و کارآمدی کتابهای تاریخ ادبیات همواره در گمانگاه تشکیک بوده است. زیرا طی بیش از دو دهه‌ای که از تدریس دو کتاب مربوط می‌گذرد، پژوهش یا نوشته‌ای تأییدی دربارهٔ آنها منتشر نشده است. در عین حال، همواره سخن از عدم کارایی آن دو بوده است. انتقادات مطرح‌شده به ویژه دلالت بر آن دارد که کتابهای یادشده، به طور کلی شیوه‌ای غیر متداول در تألیف دارند و اهدافی نسبتاً کلی و غیر قابل تحقق برای آنها پیش‌بینی شده است. لذا ضرورت دارد این دو کتاب از منظرهای گوناگون چون میزان تطبیق با راهنمای برنامهٔ درسی مربوط، رعایت پیش‌نیازها در ارائهٔ محتوا، عمق و کفایت اطلاعات هر درس، جامعیت، جالب و جاذب بودن برای دانش‌آموزان و کفایت تمرینها و فعالیتهای یادگیری مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به محدودیتهای موجود، در نوشتار حاضر، تنها ارزیابی ساختار دو کتاب و نیز میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده برای آن دو، مورد تأکید است.

آثار منتشر شده در زبان فارسی در زمینهٔ بررسی، طبقه‌بندی و نقد کتابهای تاریخ ادبیات ایران(و تذکره‌ها) عبارت اند از:

- کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی، در دو جلد، تألیف احمد گلچین معانی(۱۳۵۰).
- مقالهٔ «نگاهی به تاریخ ادبیات‌نگاری و منابع آن در قلمرو سخن فارسی»، نوشتهٔ صادق سجادی(۱۳۷۷).
- مقالهٔ «بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران، از ۱۲۸۵هـ ش. تا ۱۳۳۲ هـ ش.»، نوشتهٔ منظر سلطانی(۱۳۸۰)، برگرفته از رسالهٔ دکتری ایشان با همین عنوان، در دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۸).
- کتاب «دربارهٔ تاریخ ادبیات»، نوشتهٔ جمعی از نویسندگان(۱۳۸۴).
- مقالهٔ(سخنرانی) «نارساییها در تدوین تاریخ ادبیات فارسی و ضرورت اصلاح و رفع آنها»، از احمد سمیعی گیلانی(۱۳۸۶).
- کتاب «نظریهٔ تاریخ ادبیات»، تألیف محمود فتوحی(۱۳۸۷).
- مقالهٔ «تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری»، نوشتهٔ سید حسین سیدی(۱۳۸۹).
- مقالهٔ «کاستیهای روش‌شناسانه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی»، نگاشته سید مهدی زرقانی(۱۳۸۹).

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

- مقالهٔ علیرضا نیکویی(۱۳۹۰)، در معرفی و نقد کتاب «تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها»(نوشتهٔ مهدی زرقانی).
- مقالهٔ «رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی»، نوشتهٔ ناصرقلی سارلی(۱۳۹۲).
- مقالهٔ «گفتمانهای معاصر و سنت تاریخ‌ادبیات‌نگاری در ایران»، نوشتهٔ سید مهدی زرقانی(۱۳۹۴).

از بررسی منابع یادشده در می‌یابیم اولاً بر سنت تاریخ ادبیات‌نگاری ایرانی ایراداتی وارد است. در ثانی، پاره‌ای از این منابع مستقیماً ویژگیهای مطلوب بدیل آثار مورد نقد و بررسی را معرفی نمی‌کنند؛ اما آثاری نیز وجود دارد که می‌توان در کنار نقد آنها به تاریخ ادبیاتهای فارسی، به بعضی از ویژگیهای مطلوب آن آثار نیز دست یافت[برای اطلاع بیشتر رک. زرین‌کوب(۱۳۷۵، مقدمه، ص ب)؛ سلطانی(۱۳۸۴، صص۵۷، ۵۹، ۶۰، ۷۲)؛ پورنامداریان(۱۳۸۴، ص۵۴)؛ سمیعی گیلانی(۱۳۸۶)؛ فتوحی(۱۳۸۷، صص۱۰۴-۱۰۶، ۲۴۵- ۲۵۳، ۲۶۵)؛ زرقانی(۱۳۸۹، ص۳۱ تا ۳۹)؛ و سیدی(۱۳۸۹، ص ۱۱۵).]

گفتنی است در تاریخ ادبیاتهای ایرانی خطاهایی جزیی و عینی وجود دارند که در بعضی کتب و مقالات به آنها اشاره شده و فتوحی (۱۳۸۷، ص۲۴۹) پاره‌ای از آنها را برشمرده است.

کتابهای درسی تاریخ ادبیات تنها در چهار مطالعهٔ زیر مورد بررسی و ارزشیابی قرار گرفته‌اند:

براتی(۱۳۸۷) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و تحلیل مکتبهای ادبی در تاریخ ادبیات پایهٔ دوم و سوم متوسطه» به ارزیابی قسمت پایانی دو کتاب(بخش تاریخ ادبیات جهان) می‌پردازد. وی در فصل دهم گزارش خود به نقد و بررسی مباحث مکتبهای ادبی این دو اثر پرداخته و نتیجه گرفته است که هرچند مطالعهٔ مکتبهای ادبی اروپا مخاطبان را با فلسفه، فرهنگ و مذهب اروپاییان آشنا می‌کند، اما این بخش از کتابها دارای ویژگیهایی منفی مانند پیچیدگی و دشواری برای دبیران و دانش‌آموزان است.

کرمی(بی‌تا) نیز در مقاله‌ای با عنوان«نقد و بررسی تاریخ ادبیات ایران وجهان ۱، سال دوم دبیرستان»، بر ساختار و شیوهٔ تدوین کتاب خرده می‌گیرد و معتقداست که رویکرد این درس بر ارائهٔ اطلاعات حجیم تاریخی و ادبی در کنار هم و در یک بستر تاریخی خاص، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های ذوقی و ادبی هر دوره و معیارهای ادبی و سبک‌شناختی مبتنی است. در این کتاب پر حجم با مقدار معتنابهی از اطلاعات تاریخی، ادبی و زندگی‌نامه‌ای غیر ضروری روبه‌رو هستیم. در مقابل، هیچ نشانی از ادبیات عامیانه و شفاهی، ادبیات نمایشی، ادبیات کودک، ادبیات آئینی و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

مذهبی، طنز و هزل و هجو، ادبیات اقوام و عشایر و ... در آن نیست و اگر هست در حد اطلاعات بسیار اندک و گذرا در خلال پاره‌ای مطالب غیر مرتبط است.

حق‌شناس(۱۳۹۲) نیز در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود با عنوان «نگاهی انتقادی و تحلیلی بر سیر تاریخ ادبیات در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰» مدعی است که در کتابهای تاریخ ادبیات کنونی دبیرستان به تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان پرداخته شده است که تأثیر چندانی بر جریانهای ادبی و افراد بعد از خود نداشته‌اند و شناخت آنان نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه سبب خستگی و ملال یادگیرنده خواهد شد. تقسیم‌بندی براساس نام شاعرانی است که به گفته مؤلف شاخص و سنت‌گذارند و مهم‌ترین ویژگی ادبی یک مقطع را می‌توان در آثار آنان دید. به این ترتیب هر عصر به نام یک شاعر و مهم‌ترین ویژگی ادبی وی نام گرفته است، به دنبال این، دیگر شاعران عصر نیز باید با توجه به این ویژگی ادبی و تحت تأثیر شاعر مورد نظر تحلیل شوند. اما این شیوه را در همهٔ اعصار نمی‌بینیم. به عنوان مثال، در عصری که به نام انوری است، از مسعود سعد، کمال‌الدین اصفهانی و جمال‌الدین اصفهانی هم بحث می‌شود، اما با اینکه آنان در عصر انوری قرار گرفته‌اند، هیچ گونه ارتباط ادبی میان این شاعران و انوری دیده نمی‌شود. اشکال اساسی چنین تقسیم‌بندیهایی، این است که بسیاری از شاعرانی که در دو و یا سه عصر متفاوت جای گرفته‌اند، از لحاظ سبک ادبی در یک گروه واحد قرار می‌گیرند و این نکته از دید مؤلف مغفول مانده و سبب آشفتگی در دوره‌بندی سراسر کتاب شده است. نیز رک. مقالهٔ مستخرج از این پژوهش(عطرفی، اکبری‌شلدره و مریم حق‌شناس، ۱۳۹۳).

سارلی(۱۳۹۲) نیز در مقاله خود می‌نویسد: دوره‌بندی کتب تاریخ ادبیات دبیرستان برمبنای شاعران و نویسندگان بزرگ است. امری که امروزه، اغلب منتقدان و مورخان ادبی در نامناسب بودن آن همداستان اند. زیرا هر شاعر یا ادیبی، هرچند بزرگ، نمی‌تواند نمایندهٔ تمام‌عیار یک دوره باشد و آثار او نمونه‌ای از تمام ویژگیهای ادبی آن دوره تلقی گردد. افزون براین شاعران یا ادیبان دیگر، همه الزاماً از این شاعر یا ادیب بزرگ پیروی نمی‌کنند و حتی ممکن است در دورهٔ مورد نظر شاعران و نویسندگانی باشند که از سبک رایج دوری می‌کنند. علاوه بر آن، این گونه تقسیم‌بندی دوره‌ها به نام افراد، به‌شدت اثر فروکاهنده دارد و بسیاری از تفاوتها را نادیده می‌گیرد و با مفهوم فردیت تاریخی تناقض دارد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

چنان‌که ملاحظه می‌شود، کتابهای درسی موضوع این پژوهش، تنها در چهار مطالعهٔ نه چندان مکفی بررسی گردیده‌اند. از این رو بررسی حاضر، با محوریت هدفهای پژوهشی زیر در پی آن است که از نتایج مربوط در اصلاح و بهسازی احتمالی برنامه‌های آتی استفاده شود:

۱. تبیین وضعیت موجود ساختار دو کتاب درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای متفاوت در تدوین محتوای مربوط.

۲. تبیین وضعیت موجود دو کتاب درسی تاریخ ادبیات از نظر تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی.

در زمینهٔ هدف پژوهشی نخست، یعنی ساختار دو کتاب درسی تاریخ ادبیات، باید گفت قسمت اول هر کتاب، یعنی تاریخ ادبیات ایران، به صورت دوره‌بندی بر اساس چهره‌های شاخص در دوره‌های تاریخی است و در واقع ادیب–محور و نویسنده–محور است. مانند عصر رودکی، حافظ، و ... . این موضوع در ص ۱۲ جلد اول کتاب این گونه تبیین شده است: «ما... بهتر دیدیم که سیر ادبیات فارسی را بر مبنای شاخصها و سنتهای ادبی و با توجه به افراد شاخص و سنت‌گذار تقسیم‌بندی کنیم. منظور از شاخصها و سنت‌گذاران، افرادی هستند که مهم‌ترین ویژگیهای ادبی یک مقطع را می‌توان در آثار آنها یافت. تقسیم دوره‌های ادبی بر این مبنا، لزوماً با تقسیمات سیاسی، تاریخی و جغرافیایی همخوانی و هماهنگی ندارد. گاهی شاعری که از نظر زمانی در دوره‌ای زندگی می‌کند، از لحاظ ادبی و فکری در دورهٔ پس یا پیش از خود قرار می‌گیرد». گفتنی است براساس تقسیم‌بندی فتوحی(۱۳۸۷، صص ۲۴۲– ۲۴۵)، رایج‌ترین روشهای تدوین محتوای تاریخ ادبیات در ایران، شامل ادامه تذکره‌نویسی، تذکره‌های تحقیقی– انتقادی، تاریخ ادبی در موازات تاریخ عمومی، جریان‌شناسی ادبی، تاریخ درونی ادبیات، تاریخ انواع ادبی و پژوهشهای دوره‌ای است.

در زمینهٔ هدف پژوهشی دوم نیز باید گفت اهداف این دو کتاب بر اساس راهنمای برنامه مربوط(دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی،۱۳۸۶)، شامل آشناکردن دانش‌آموزان با سیر تحول و تطور ادبیات فارسی، آشناکردن آنان با چهره‌های شاخص ادبی، آثار و سبک آنها، آشناکردن آنان با جریانهای اجتماعی و سیاسی ادوار تاریخی و تأثیر آنها در آثار ادبی و توانا کردن دانش‌آموزان برای اظهار نظر دربارهٔ شعرا و نویسندگان ایرانی در گفتار و نوشتار است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ارزشیابی است و با تلفیقی از الگوی "تحقق هدفها (هدف‌گرا)" و الگوی "مبتنی بر نظر خبرگان" انجام شده است. جدول شماره ۱ منابع و ابزارهای گردآوری داده‌ها را بر اساس هدفهای پژوهشی نشان می‌دهد.

جدول ۱: منابع و ابزارهای گردآوری داده‌ها بر اساس هدفهای پژوهشی

ردیف	هدفها/سؤال‌های پژوهشی	منابع گردآوری داده‌ها	ابزارهای گردآوری داده‌ها
۱	ساختار و الگوی تدوین محتوا	متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان	فرمهای مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان
۲	تحقق اهداف پیش‌بینی شده	دبیران/متخصصان/دانش‌آموزان	پرسشنامهٔ دبیران/ فرمهای مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان/ آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

به منظور بررسی ساختار و الگوی تدوین محتوای دو کتاب، نظرات متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان(الگوی مبتنی بر نظر خبرگان) دریافت گردید. برای بررسی تحقق اهداف برنامهٔ درسی، گذشته از دریافت نظرات متخصصان و دبیران، الگوی هدف‌گرا نیز مورد استفاده قرار گرفت، تا میزان دستیابی به اهداف برنامهٔ درسی پیش‌بینی‌شده برای دو کتاب در میان دانش‌آموزان اندازه‌گیری شود. آزمون پیشرفت تحصیلی حاوی سؤالاتی بود که با نظر دبیران مجرب اهداف آموزشی درس تاریخ ادبیات را پوشش می‌داد. مقیاس‌اندازه‌گیری سؤالات آزمون از نوع چندگزینه‌ای بود.

جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان، دبیران دو کتاب تاریخ ادبیات و نیز دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم رشتهٔ علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۴ – ۱۳۹۳ بوده است. حجم نمونهٔ پژوهش شامل ۱۴۵۴ نفر به شرح زیر است:

- ✓ دانش‌آموزان پایهٔ دوم: ۴۰۱ نفر؛ پایهٔ سوم: ۴۱۱ نفر
- ✓ دبیران پایهٔ دوم: ۳۳۲ نفر؛ پایهٔ سوم: ۳۰۱ نفر
- ✓ متخصصان تاریخ ادبیات ایران: ۵ نفر؛ تاریخ ادبیات جهان: ۴ نفر(افراد به صورت هدفمند انتخاب شده اند)

در پژوهش حاضر چهار استان به روش تحلیل خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند[1]. لذا تهران از خوشهٔ استانهای خیلی بزرگ، کرمان از خوشهٔ استانهای بزرگ، کرمانشاه

۱. در این روش که در پژوهش کبیری ۱۳۹۳(ص۱۰۰) به کار گرفته شده، استانهای کشور با توجه به شاخصهای درصد دانش‌آموزان غیر انتفاعی، درصد دانش‌آموزان روستانشین، شمار دانش‌آموزان، سرانهٔ دانش‌آموزی و شاخص به‌کارگیری ساختمان، به چهار خوشهٔ استانهای خیلی بزرگ، استانهای بزرگ، استانهای متوسط و استانهای کوچک تقسیم شده‌اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

از خوشهٔ استانهای متوسط و سمنان(و قم) از خوشهٔ استانهای کوچک با طی مراحل زیر برگزیده شدند:

۱. انتخاب چهار استان از طریق روش تحلیل خوشه‌ای

۲. انتخاب تصادفی سه منطقه یا شهرستان از استانهای منتخب(مجموعاً ۱۲ شهرستان یا منطقه)

۳. انتخاب تصادفی ۲۴ دبیرستان(۱۲ پسرانه و ۱۲ دخترانه، شهری و روستایی) از مناطق منتخب(مجموعاً ۲۸۸ دبیرستان)

۴. انتخاب تصادفی سه کلاس از هر دبیرستان(در مجموع ۸۶۴ کلاس از دو پایه)

۵. انتخاب تصادفی یک دانش‌آموز از هر کلاس

۶. انتخاب همه دبیران تاریخ ادبیات پایه‌های دوم و سوم کلاسهای منتخب.

گفتنی است با توجه به اینکه بعضی از کلاسها دارای دبیر مشترک در دبیرستان بودند، نمونهٔ آماری دبیران استان سمنان دچار افت حجم شد که با انتخاب دبیرانی از استان هم‌خوشهٔ سمنان، یعنی قم، جبران شد. بدین گونه، نمونهٔ آماری دبیران از پنج استان انتخاب گردید، اما پرسشنامهٔ دانش‌آموزان در چهار استان منتخب اجرا شد.

روایی محتوایی آزمون پیشرفت تحصیلی با استفاده از نظرات چند معلم متخصص و پایایی آن از طریق برآورد ضریب کودور ریچاردسون محاسبه شد. برای تعیین روایی آزمونهای پیشرفت تحصیلی، ابتدا ۶۰ دانش‌آموزان به روش تصادفی انتخاب و آزمون پیشرفت تحصیلی همراه با آزمون ریون اجرا و سپس ضریب روایی آزمون محاسبه شد. چون نتیجه بالاتر از ۵۰ صدم بود آزمون روا به حساب آمد.

روایی پرسشنامهٔ دبیران از طریق روایی محتوایی و با توجه به نظرات چند تن از متخصصان موضوعی تعیین شد و پایایی آن از طریق برآورد ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ تعیین شد.

برای تحلیل داده‌های سؤالهای پژوهشی از آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای نمرات کل، آزمون آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر عبارت پرسشنامه و آزمون خی‌دو تک‌متغیره(تحلیل فراوانی) برای فرمهای تحلیل محتوا و مصاحبه استفاده شد.

بررسی اطلاعات حاصل از سؤالهای باز با طی مراحل گردآوری پاسخ سؤالها، حذف نظرات مشابه و تعیین بسامد(فراوانی) دیدگاهها، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی نظرات، تنظیم نظرات به ترتیب فراوانی هر نظر، تقسیم‌بندی نظرات بر اساس محتوای کلی و... صورت گرفت.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

یافته‌های پژوهش

به منظور دستیابی به پاسخ پرسشهای پژوهشی زیر، از ابزارهای لازم استفاده شد. داده‌ها به دو صورت کمّی و کیفی گردآوری شدند. یافته‌ها به اختصار در پی ارائه می‌شود:

۱. آیا محتوای موجود دو کتاب درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای مختلف در تدوین محتوای تاریخ ادبیات از ساختار مناسب برخوردار است؟

نظرات متخصصان

✓ **الف) دربارهٔ الگوی ساختاری انتخاب شده برای تدوین دو کتاب:**

- دو کتاب بیشتر به صورت تاریخ ادبی به موازات تاریخ عمومی نوشته شده‌اند، دوره‌بندی براساس چهره‌های شاخص در دوره‌های تاریخی است. مانند عصر رودکی، یا عصر حافظ. در واقع این کتابها ادیب–محور و نویسنده– محورند. اما بخش تاریخ ادبیات جهان بیشتر برمبنای مکتبهای ادبی نوشته شده است. با وجود این از خطاهای روشی برکنار نبوده‌اند. در ادامه نمونه‌هایی از این گونه خطاها ارائه می‌شود.
- ج۱، ص ۱۲: عنوان "زبان و ادبیات در ایران بعد از اسلام" است. در حالی که موضوع ذیل این عنوان معرفی شیوهٔ تدوین کتاب حاضر است و نه معرفی زبان و ادبیات در ایران بعد از اسلام. بنابراین جای این مطلب که در مورد روش کار است، در مقدمه است و نه در داخل درس اول.
- ج۱، ص ۱۴: دربارهٔ عنوان "عصر پیش از رودکی" مسأله این است که اگر این دوره چهرهٔ شاخصی ندارد، نمی‌توان برایش نامی برگزید. این تقسیم‌بندی با توضیح روش کار ص ۱۲ کتاب همخوانی ندارد.
- ج۱، ص ۷۳: عصر ناصرخسرو: این عصر فقط یک شاعر دارد. آیا می‌توان یک نفر را نمایندهٔ یک عصرِ بی‌پیرو نمود؟
- ج۱، ص ۸۶: اولاً آوردن نثرهای علمی در کتاب تاریخ ادبیات درسی موجه نمی‌نماید. در ثانی، الابنیه، هدایت المتعلمین، حدودالعالم و.... پیشتر در ذیل عصر فردوسی آمده‌اند. به نظر می‌رسد نثرهای علمی این بخش با آن نثرها سنخیت موضوعی بیشتری دارند. لذا طرح آنها در اینجا یا آنجا(ص ۸۶) موجه نمی‌نماید.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

- ج۱، ص ۹۴ و ۹۵: آثار مذکور در این قسمت از جمله تفاسیر، آثار عرفانی و... به لحاظ موضوعی در ذیل عصر بیهقی نمی‌گنجند. نثرشان شبیه به تاریخ بیهقی نیست. طبقات صوفیه با تاریخ بیهقی تفاوت بسیار دارد.
- ج۱، ص ۱۰۶: ابتدای صفحه: بر اساس مطلب صفحه قبل انوری در سال ۵۸۳ فوت کرده است و مسعود سعد سلمان در سال ۵۱۵. معلوم نیست به چه دلیل ابتدا انوری معرفی شده است و سپس مسعود. روال کلی کتاب تاکنون رعایت ترتیب تاریخی معرفی شاعران و نویسندگان بوده است.
- ج۱، ص ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵: در این صفحات آثاری چون نامه‌های عین القضات، آثار فارسی سهروردی، اسرارالتوحید و ... در ذیل عصر ابوالمعالی آمده‌اند. این متن‌ها به لحاظ موضوعی و زبانی واقعاً زیرمجموعهٔ عصر ابوالمعالی نمی‌توانند باشند. زبان نثرهای عرفانی و دینی ساده است. موضوع هم متفاوت است.
- ج۱، ص ۱۲۴: روش تاریخی منتخب کتاب در اینجا نقض شده است. یعنی کتابی از عصری دیگر، از نویسنده و شاعری که عصری به نام خود اوست(سعدی)، در اینجا ذکر شده است. معلوم نیست ملاک ترتیب تاریخی است یا مکتب.
- ج۱، ص ۱۲۵: در آخر بند دوم، می‌خوانیم: «....از این حیث باید سعدی را چیره‌دست‌ترین و نامورترین نویسندگان زبان فارسی دانست». پرسش این است که اگر چنین است چرا باید نثر سعدی در ذیل عصر ابوالمعالی بیاید؟ این به خلاف توضیح مؤلف در مقدمهٔ کتاب (ص ۱۲) در باب روش کار است.
- ج۱، ص ۱۴۴: آوردن نظامی در ذیل عصر مولوی درست نیست، زیرا نظامی جریانی را آغاز کرد که پیروانی برایش پیدا شدند و آن سرودن داستانهای مختلف عشقی، تاریخی، و ... در قالب خمسه است. امیرخسرو دهلوی، خواجو، جامی و .... مقلدان او هستند. لذا نباید در ذیل عصر فرد دیگری بیاید. خود شاعری جریان‌ساز است.
- ج۱، ص ۱۶۲: در بند آخر گفته شده: «در شعر و ادب این دوره–که البته به تقسیم‌بندی زمانی و قرنی نظر ندارد– سعدی در اوج عظمت و اعتدال است و هرکس غیر از او در حضیض». معلوم نیست چرا کلمهٔ "دوره" برای نام‌گذاری آن انتخاب شده است. در این دوره مولوی هم حاضر است. البته کلمهٔ "دوره" معنای مکتب نمی‌دهد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

- ج۱، ص ۱۶۵: دربارهٔ گلستان گفته شده: «ما آن را در ذیل آثار عصر ابوالمعالی معرفی کرده‌ایم». به نظر می‌رسد گلستان سرآمدتر از کلیله و دمنه نیست و قاعدتاً بایست عکس آن انجام می‌شد.
- ج۱، ص ۱۶۹: امیرخسرو دهلوی: او مقلد نظامی است. شاید بهتر بود در عصر مولوی ذکر می‌شد، زیرا خود نظامی آنجا مطرح شده است.
- ج۱، ص ۱۷۳: تاریخ ادبیات جهان: چیدمان این بخش بر اساس مکاتب است. چیدمان قسمت یا بخش نخست کتاب بر مبنای شخصیتهاست. دلیل این تعارض روشن نیست.
- ج۱، ص ۱۹۳: ویلهلم شلگل: نام این شاعر در صفحه ۱۹۱ آمده و بهتر است پانویس نیز در همان صفحه بیاید.
- ج۱، ص ۱۹۵: شرح حال بایرون: اینجا جای شرح حال نیست و فقط نمونه‌ها می‌آیند.
- ج۱، ص ۲۰۱: درس بیست و چهارم: اطلاق عنوان درس برای نمونه‌های زیر آن صحیح نمی‌نماید. در ضمن گفته نشده که این نمونه‌ها مربوط به کدام‌یک از اقسام رئالیسم است.
- ج۲، ص ۹: فخرالدین عراقی، عارفی از سلسله سوختگان: در ذیل عنوان درس ۱ نمی‌گنجد.
- ج۲، ص ۳۳: صحت این موضوع که عطاملک جوینی باید زیرمجموعهٔ عصر رشیدالدین باشد، محل تردید است.
- ج۲، ص ۹۹: در عنوانِ "چهره‌های شعر دوره بیداری"، فقط به شعر توجه شده و نثر مغفول است.
- ج۲، ص ۳۸: پانویس مربوط به سلسله بابریان به یک بند قبل منتقل شود، زیرا نخستین بار نام این سلسله در آن بند آمده است.
- ج۲، ص ۶۶: «مشتاق اصفهانی، پیشاهنگ شیوه‌ای نوین». بهتر است در ذیل این درس نیاید. با عنوان درس همخوانی ندارد.
- ج۲، ص ۷۶: در درس هشتم(عصر هاتف) بحث بازگشت ادبی مطرح شده و گفته شده که در این دوره از سبک هندی اعراض گردیده است. دلیل طرح دوبارهٔ موضوع در این صفحه معلوم نیست.
- ج۲، ص۹۲: عصر بیداری؛ تا اینجای کتاب نامگذاری اعصار بر اساس نام افراد بوده، از این به بعد روال تغییر یافته است که موجه نمی‌نماید.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

- ج۲، ص ۱۱۸: عنوان «شعر کارگری در عصر بیداری»... . بهتر بود در قالب بخشی مستقل بیاید، مثلاً چهره‌های شعر دورهٔ بیداری(۳).
- ج۲، ص ۱۲۱: در کتاب باید ساختار معرفی عصرها و افراد روشی واحد داشته باشد. نیز حجم اختصاص داده شده از کتاب به هر فرد و جایگاه ادبی او مناسب باشد. برای مثال، در ج۲، ص ۱۳۰، بیش از حد به نیما پرداخته شده است؛ حتی بیش از فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی(به نیما ۱۰صفحه از کتاب اختصاص داده شده، به فردوسی ۷ صفحه، به حافظ ۴ صفحه، به سعدی ۶/۵ صفحه و به مولوی۶ صفحه).
- ج۲، ص ۱۴۱: شعر سنتی این عصر در ذیل عصر نیما آمده است و این از عجیب‌ترین موضوعات است.
- ج۲، ص ۱۴۱: پایان بند اول: «از این بخش از شعر فارسی که نمی‌توان آن را جریانی مستقل و شیوه‌ای مشخص شمرد، با عنوان ادامه شعر سنتی در عصر نیما سخن می‌گوییم». نکته: به هر حال ادامه هر جریان باید در ذیل آن بیاید. روش کار نقض شده است.
- ج۲، ص ۱۴۵: در آخر بند سوم آمده است: «به این ترتیب در اشعار پروین دو شیوه خراسانی و عراقی به گونه‌ای تلفیق شده و شیوه‌ای تازه و مستقل را پدید آورده است. پروین در قطعات به سنایی و انوری توجه داشته، اما در حد تقلید باقی نمانده است. بیشتر قطعات او به صورت مکالمه و گفتگوست؛ همان‌که در اصطلاح ادبی مناظره خوانده می‌شود». بنابر گفتهٔ حاضر، شعر پروین در ذیل عصر نیما نمی‌گنجد. شاعران ج۲، ص ۱۵۴ و بعد هم در ذیل عصر نیما نمی‌گنجند.

✓ **ب) دربارهٔ روش ارائهٔ اطلاعات تاریخی دو کتاب:**

از جمله اشکالات رایج کتاب تاریخ ادبیات دو، ذکر سال وقوع رخدادها گاهی به قمری، گاهی به شمسی، یا شروع رخدادی به قمری و پایان آن به شمسی است و گاهی هم معلوم نمی‌شود سال ذکر شده شمسی است یا قمری؛ و این موجب سردرگمی مخاطبان می‌شود. موارد زیر برای مثال ذکر می‌گردد:

- ج۲، ص ۶۸: سطر نخست نوشته شده است: درست در همان سالی که افغانها در تدارک حمله به اصفهان بودند(یعنی سال ۱۱۳۴). منظور سال قمری است یا شمسی؟ در بند بعد نیز شمسی یا قمری بودن سال معلوم نیست. یا در ج۲، ص ۶۹: سال ۱۱۹۸ هـ و در ج۲، ص۷۳، ۷۶، ۷۷

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

نیز چنین است. لذا این پرسش تا انتها باقی می‌ماند که سالها به صورت شمسی هستند یا قمری؟

- ج۲، ص ۱۰۰: «امیری در سال ۱۳۳۵ هـق. بر اثر سکته درگذشت».
- ج۲، ص ۱۰۲: تاریخها شمسی است یا قمری، و یا هردو؟
- ج۲، ص ۱۰۲: تولد بهار به قمری و مرگش به شمسی نوشته شده است. در ج۲، ص ۱۱۰و۱۱۱: سال تولد اشرف الدین گیلانی نیز چنین است. البته در ج۲، ص ۱۱۵، تاریخ مرگ عشقی هم به قمری و هم به شمسی آمده است. اینکه تاریخها گاهی به صورت شمسی و گاهی قمری ذکر شوند، مانع از ایجاد تصور زمانی دقیق در ذهن دانش‌آموزان می‌شود!

✓ **پ) دربارهٔ شیوهٔ معرفی کتابها و... در متن دو کتاب:**

- در معرفی کتابها و نویسندگان گاهی کتاب دچار بی‌روشی است؛ برای مثال، در ج۱، ص ۸۶ دربارهٔ بند الف: مستقیماً کتاب و مؤلف او از همان ابتدا معرفی نمی‌شوند. ابتدا باید گفته شود دانشنامه علایی از کیست، سپس اطلاعات تکمیلی ارائه شود. کتابهای معرفی شده صفحات بعد نیز همین مشکل را دارند؛ از جمله: التفهیم، قابوسنامه، سیاستنامه. در ج۱، ص ۱۱۶، دربارهٔ معرفی «سمک عیار» نیز بهتر است ابتدا اطلاعات کتاب‌شناختی بیاید، سپس زمینه‌های تألیف چنین کتابهایی. همین توصیه در ج۱، ص ۱۱۷، لازم است به کار گرفته شود، یعنی ابتدا باید اطلاعات کتاب‌شناسی روض الجنان ذکر شود.
- ج۱، ص ۱۷۵: حکایت جنگ یونان با تروا تا آخرش به شکلی گسیخته ذکر شده است. یک جا کلیات ذکر شده است، در جایی دیگر جزئیات و ... . این یادداشت برای صفحه بعد نیز صدق می‌کند.
- ج۱، ص ۱۸۶: سطر نخست پس از عنوان(از آثار کلاسیک‌ها): بوالو از بزرگ‌ترین شاعران کلاسیک فرانسه: ...، جمله منعقد نشده است. موارد مشابه آورده‌شده در ادامه نیز چنین است.
- ج۲، ص ۳۴: جامع‌التواریخ: در بخش معرفی جامع‌التواریخ دو بند اول شرح حال نویسنده است، نه معرفی جامع‌التواریخ.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

✓ **ت) دربارهٔ بخش پژوهش و منابع آن در دو کتاب:**

- ج۱، ص ۲۴: در پانویس نام دو کتاب آمده که هدف از آن نامعلوم است. ظاهراً هدف معرفی برخی منابع است. در این صورت نمی‌شود نام پژوهش بر آن نهاد. مطلب ج۲، ص ۱۸۹را هم نمی‌توان پژوهش نامید.
- برخی از این پژوهشها مانند ج۱، ص ۳۹، فاقد معرفی منبع در پاورقی هستند. این خلاف رویهٔ صفحات قبل است.
- در ج۱، ص ۱۰۷، پانویس سوم؛ ج۱، ص ۱۰۹، پانویس همان صفحه؛ ج۱، ص ۱۱۸، پانویس همان صفحه، ذکر شود که این کتاب از جمله منابع پژوهش است.
- در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت بر روش تدوین دو کتاب ایرادات اساسی وارد است.

۲. آیا اهداف برنامهٔ درسی برای دو کتاب درسی تاریخ ادبیات در دو قلمرو شناختی و مهارتی تحقق یافته است؟

الف) نظرات دبیران:

توصیف میانگین نمرات تحقق اهداف از نظر دبیران در مقیاسی ۴ سطحی به شرح زیر است:

جدول ۲ : توصیف آماری میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی

پایهٔ تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دوم	۳۲۴	۲.۵۸	۰.۶۰
سوم	۳۰۱	۲.۵۱	۰.۶۵

براساس جدول شمارهٔ ۲، میانگین نمره تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی از نظر دبیران پایهٔ دوم دبیرستان برابر با ۲/۵۸ و از نظر دبیران پایهٔ سوم دبیرستان برابر با ۲/۵۱ است.

جدول ۳: تحلیل آماری میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی

پاسخگو	پایهٔ تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین نظری	تفاوت میانگینها	آماره t	سطح معناداری
معلم	دوم	۳۲۴	۲.۵۸	۰.۶۰	۲٫۸۰	-۰.۲۲	-۶.۵۴	۰.۰۵
					۲	۰.۵۸	۱۷.۲۸	
	سوم	۳۰۱	۲.۵۱	۰.۶۵	۲٫۸۰	-۰.۲۹	-۷.۷۴	۰.۰۵
					۲	۰.۵۱	۱۳.۷۴	
					۱۰	-۲.۵۳	-۱۵.۴۹	

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

متناسب با جدول شمارهٔ ۳، تفاوت آماری میانگینهای مشاهده شده و میانگین نظری(۲/۸ برای مطلوبیت و ۲ برای مناسب بودن)، تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی از نظر آماری معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که از نظر دبیران، دانش‌آموزان توانسته‌اند در سطح مناسب اهداف برنامهٔ درسی را محقق سازند، ولی از سطح مطلوب پایین‌تر هستند.

ب) نظرات متخصصان:

- محتوای این کتاب در حد مطلوب دانش آموزان را با شخصیتها و آثار ادبی آنان آشنا می‌کند.
- محتوای کتاب دانش‌آموزان را با تاریخ ادبیات و شخصیتهای برجسته آشنا می‌کند، ولی ممکن است مجموعه اطلاعات فراوان فهرست‌وار درباره آثار ادبا، برای آنان ملال‌آور باشد.
- اشکال در کم‌سوادی دبیران است که در بسیاری موارد هم‌سطح دانش‌آموزان خود هستند. دبیر محترم ارنست همینگوی را برای بچه‌ها Hemingooy تلفظ کرده است. دانش‌آموزان اشکال او را گرفته‌اند.
- این کتاب سعی کرده است تا به میزان زیاد مخاطب نوجوان را با سیر تاریخ ادبیات فارسی آشنا کند، اما در واقع این توفیق بستگی دارد به شیوهٔ تدریس آن و شاید کتاب به تنهایی نتواند از عهدهٔ این کار برآید.
- محتوای این کتاب در حد مطلوب دانش‌آموزان را با سیر تحول و تطور ادبیات فارسی آشنا می‌کند.
- با توجه به آنکه مباحث سبک‌شناسی در کتاب چندان مطرح نشده، سیر تحول و تطور ادبیات گذشته با توجه به تأثیر و تأثرها در حد مطلوب نشان داده نشده است.
- در چارچوب کلی و با توجه به هدف اصلی کتاب تا حدودی به این منظور نزدیک می‌شود، اما جای تجدیدنظر و بهبود دارد.
- محتوای این کتاب دربارهٔ آشنایی با سبکهای ادبی و انواع ادبی در حوزه ادبیات فارسی ضعیف و در حوزهٔ ادبیات جهان متوسط ارزیابی می‌شود.
- محتوا دقیق و قابل قبول است. چون دانش‌آموزان به دورهٔ لیسانس می‌آیند و ما تأثیر آن را می‌بینیم.
- در مورد توفیق بخش ادبیات جهان کتاب تردید وجود دارد. این روش بیشتر معرفی سبکهای گوناگون در ادبیات جهان است که توفیق زیادی نداشته است و الگوی مناسب‌تری باید انتخاب شود. قسمت تاریخ ادبیات ایران به‌طور نسبی توفیق پیدا کرده است، اما با ظرفیت موجود و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

اهمیت دورهٔ آموزشی نیاز به بازنگری کتاب وجود دارد و باید با استفاده از روشهای جدید، تصویری فشرده از تاریخ ادبیات ارائه شود.

- محتوای کتاب دربارهٔ مکتبهای ادبی جهان مناسب است، اما در زمینهٔ سبکهای ادبی در ادبیات فارسی به‌اندازه کافی کوشش نشده است.
- محتوای این کتاب در بخش ادبیات کلاسیک در حد متوسط مباحث تاریخی، سیاسی و اجتماعی را پوشش می‌دهد، اما در ادبیات معاصر در حد مطلوب و کافی.
- برای تحقق بخشیدن به هدفها طرح مباحث بیشتری ضرورت دارد، البته اگر محدودیت حجم کتاب، مانع کار نشود.
- محتوا در راستای تحقق بخشیدن به هدفها، شناخت نسبی فراهم کرده و از همه ظرفیت کتاب استفاده شده است.

پ) اطلاعات آزمونهای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان:

برای بررسی میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی آزمونی چهارگزینه‌ای از دانش‌آموزان گرفته شد. توصیف میانگین نمرات تحقق اهداف براساس نمرات دانش‌آموزان در مقیاسی ۲۰ نمره‌ای به شرح زیر است:

جدول ۴: توصیف آماری میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی

پاسخگو	پایهٔ تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانه	مد یا نما	چولگی یا کجی
دانش‌آموز	دوم	۴۰۱	۸,۱۴	۳,۳۴	۸	۷	۰/۱۲۷
	سوم	۴۱۱	۷,۴۷	۳,۳۲	۷	۶	/۳۷۰

براساس جدول شمارهٔ ۴، میانگین نمره تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی در دانش‌آموزان دوم دبیرستان برابر با ۸/۱۴ و میانگین نمره دانش‌آموزان سوم دبیرستان برابر با ۷/۴۷ است. همچنین میانه نمرات پایهٔ دوم برابر با ۸ و پایهٔ سوم برابر با ۷، مد یا نمای پایهٔ دوم برابر با ۷ و پایهٔ سوم برابر با ۶ و چولگی هر دو پایه مثبت است، یعنی اکثر نمرات در پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

همچنین وضعیت پراکندگی نمرات دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان در آزمون تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی به شرح زیر است:

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

جدول ۵: وضعیت پراکندگی نمرات میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی

نمره	دوم			سوم		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصدتجمعی
۰	۳	۰.۷	.۷	۳	۰.۷۳	.۷
۱	۴	۱.۰۰	۱.۷	۲	۰.۴۹	۱.۲
۲	۱۳	۳.۲۴	۵.۰	۱۰	۲.۴۳	۳.۶
۳	۱۵	۳.۷۴	۸.۷	۲۹	۷.۰۶	۱۰.۷
۴	۱۵	۳.۷۴	۱۲.۵	۳۹	۹.۴۹	۲۰.۲
۵	۳۰	۷.۴۸	۲۰.۰	۴۵	۱۰.۹۵	۳۱.۱
۶	۴۱	۱۰.۲۲	۳۰.۲	۴۹	۱۱.۹۲	۴۳.۱
۷	۶۴	۱۵.۹۶	۴۶.۱	۴۴	۱۰.۷۱	۵۳.۸
۸	۴۶	۱۱.۴۷	۵۷.۶	۴۹	۱۱.۹۲	۶۵.۷
۹	۳۳	۸.۲۳	۶۵.۸	۳۱	۷.۵۴	۷۳.۲
۱۰	۳۹	۹.۷۳	۷۵.۶	۲۶	۶.۳۳	۷۹.۶
۱۱	۲۹	۷.۲۳	۸۲.۸	۲۶	۶.۳۳	۸۵.۹
۱۲	۲۹	۷.۲۳	۹۰.۰	۲۴	۵.۸۴	۹۱.۷
۱۳	۱۷	۴.۲۴	۹۴.۳	۱۹	۴.۶۲	۹۶.۴
۱۴	۱۱	۲.۷۴	۹۷.۰	۷	۱.۷۰	۹۸.۱
۱۵	۴	۱.۰۰	۹۸.۰	۳	۰.۷۳	۹۸.۸
۱۶	۵	۱.۲۵	۹۹.۳	۳	۰.۷۳	۹۹.۵
۱۷	۳	۰.۷۵	۱۰۰.۰	۲	۰.۴۹	۱۰۰.۰
کل	۴۰۱	۱۰۰		۴۱۱	۱۰۰	

متناسب با جدول شمارهٔ ۵ و همچنین براساس نقاط برش مد نظر این پژوهش(نقطه ۷۰درصدی یا نمره ۱۴ و بالاتر به عنوان وضعیت مطلوب و نقطه ۵۰ تا ۶۹ درصدی یا نمره ۱۰ الی ۱۳/۹ به عنوان وضعیت مناسب)، وضعیت تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی در دانش‌آموزان دوم دبیرستان برابر با ۳٪ ایده‌آل و ۲۴/۴٪ مناسب است. در پایهٔ سوم دبیرستان نیز برابر با ۲/۹٪ ایده‌آل و ۲۰/۴٪ مناسب است. به بیانی دیگر، از نظر تحقق اهداف برنامهٔ درسی، ۹۷٪ دانش‌آموزان دوم دبیرستان و ۹۸/۱٪ از دانش‌آموزان سوم دبیرستان پایین‌تر از وضعیت ایده‌آل و ۷۵/۶٪ دانش‌آموزان دوم دبیرستان و ۷۹/۶٪ از دانش‌آموزان سوم دبیرستان پایین‌تر از وضعیت مناسب قرار دارند. یا به بیانی دیگر، در آزمون مربوطه نمره قبولی را به دست نیاورده‌اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

جدول ۶: تحلیل آماری میزان تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی

پاسخگو	پایهٔ تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین نظری	تفاوت میانگین‌ها	آماره t	سطح معناداری
دانش‌آموز	دوم	۸,۱۴	۳,۳۴	۴۰۰	۱۴	-۵.۸۵	-۳۵.۱۲	۰.۰۵
					۱۰	-۱.۸۵	-۱۱.۱۲	
	سوم	۷,۴۷	۳,۳۲	۴۱۰	۱۴	-۶.۵۳	-۳۹.۹۴	۰.۰۵
					۱۰	-۲.۵۳	-۱۵.۴۹	

متناسب با جدول شمارهٔ ۶، تفاوت آماری میانگینهای مشاهده شده و میانگین نظری(۱۴ برای مطلوبیت و ۱۰ برای مناسب بودن)، تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی از نظر آماری معنادار است. بنابراین می‌توان گفت براساس آزمون، دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان کمتر از سطوح مطلوب و مناسب توانسته‌اند به اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی دست پیدا کنند.

با توجه به منابع سه‌گانهٔ گردآوری داده‌های مربوط به این سؤال، می‌توان نتیجه گرفت که ارزیابی متخصصان و دبیران از تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی این است که اهداف در سطح مطلوب تحقق پیدا نکرده‌اند. نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی نیز مؤید این امر است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های به دست آمده از پژوهش حاضر نتایج زیر را نشان می‌دهد:

۱. در پاسخ به پرسش اول پژوهش، دربارهٔ وضعیت موجود ساختار دو کتاب درسی تاریخ ادبیات، با توجه به الگوهای متفاوت در تدوین محتوای مربوط، باید گفت ساختار این دو از سویی تاریخ ادبی به موازات تاریخ عمومی است. از دیگر سو، چنان که پیشتر گفته شد، قسمت اول هر یک، یعنی تاریخ ادبیات ایران، به صورت دوره‌بندی بر اساس چهره‌های شاخص در دوره‌های تاریخی است و در واقع ادیب–محور و نویسنده–محور است. اما قسمت تاریخ ادبیات جهان آن بر اساس مکتبهای ادبی نوشته شده است.

ساختار کتاب اولاً بر اساس شیوه‌های رایج نیست و تنها براون(۱۳۶۶) این شیوه را برگزیده است. درثانی، دو بخش آن(تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان) با یک شیوه تألیف نشده است. ثالثاً اشکالاتی بر روش‌شناسی، شیوهٔ تدوین و ساختاربندی منتخب برای دوکتاب وارد است. چنان که پیشتر در پژوهش حق‌شناس(۱۳۹۲) و سارلی(۱۳۹۲) این امر مورد تأکید قرار گرفته بود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

می‌توان نتیجه گرفت که تقسیم‌بندی کتاب بر مبنای عصر محدودیت زمانی ایجاد می‌کند زیرا طول هر عصر باید محدود باشد. در این صورت پیروان یک شاعر یا نویسنده در عصرهای بعد نمی‌توانند در زیرمجموعهٔ او قرار گیرند. به علاوه، یک عصر نمی‌تواند چندین صاحب عصر داشته باشد و این خلاف شیوهٔ منتخب کتابهای مورد بحث و پژوهش است. زیرا مرزبندی و تقسیم یک عصر به نام دو نفرِ هم‌عصر(مثل سعدی و مولوی که در کتاب اتفاق افتاده) امکان پذیر نیست. به علاوه، گاهی در ذیل یک عصر افراد و آثاری قرار گرفته‌اند که به لحاظ سبک و مکتب قرابتی با هم ندارند، مانند قرار گرفتن خیام و خاقانی در ذیل عصر مولوی. یا نثرهای علمی مانند الابنیه، هدایت المتعلمین و حدود العالم در ذیل عصر فردوسی. این نتیجه با یافته‌های سارلی(۱۳۹۲) در سازگاری کامل است. سارلی(۱۳۹۲) همچنین دربارهٔ نامناسب بودن ساختار منتخب این دو اثر می‌گوید: اعمال این شیوه تنها زمانی موجه و معتبر خواهد بود که در یک دورهٔ زمانی معین، با گروهی از شاعران یا ادیبان مواجه باشیم که شاعر یا نویسنده ای بزرگ را به استادی یا به منزلهٔ الگوی ادبی خود پذیرفته و سنت ادبی منسجم و تقریباً یکدستی را شکل داده باشند. در این صورت نیز عنوان "مکتب" بهتر از مفهوم "دوره" می‌تواند این گروه از شاعران یا نویسندگان را توصیف کند.

چنان که می‌دانیم، کاستیهای روش‌شناسانهٔ بسیار در تاریخ‌ادبیات‌نگاری زبان فارسی وجود دارد. در اینجا نظر یکی از صاحب‌نظران ذکر می‌شود که می‌توان گفت بیشتر کاستیهایی که برشمرده است، در دو کتاب حاضر مصداق دارد: ۱. گسست میان ادوار ۲. غفلت از رویکرد جریان‌شناسانه ۳. بی‌توجهی به روابط بینامتنی ۴. تک‌ساحتی کردن چهره‌ها ۵. بررسی تاریخ نوشتارها به جای تاریخ ادبیات ۶. کم توجهی به تطور ادبیات منثور ۷. ابهام در نسبت گفتمان تاریخی و ادبی ۸. ازلی – ابدی پنداشتن نظام‌های بلاغی و زیباشناختی ۹. غلبهٔ نقد ذوقی ۱۰. نخبه‌گرایی ۱۱. فقدان نظریهٔ ادبی ۱۲. نادیده گرفتن ادبیات عامیانه ۱۳. بی‌توجهی به دگردیسی انواع ادبی ۱۴. بی‌توجهی به جامعه‌شناسی ادبیات(زرقانی،۱۳۸۹، ص۳۱ تا ۳۹).

۲. در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، دربارهٔ وضعیت موجود دو کتاب درسی تاریخ ادبیات از نظر تحقق اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی، باید یادآور شد میانگین نمرهٔ تحقق اهداف برنامهٔ درسی در این دو قلمرو بر اساس آزمون پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دوم دبیرستان برابر با ۸/۱۴ و میانگین نمرهٔ دانش‌آموزان سوم دبیرستان برابر با ۷/۴۷ از نمرهٔ ۲۰ بوده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

از نظر متخصصان هم هدفهای پیش‌بینی‌شده برای این کتابها غیر واقع‌بینانه و بسیار کلی هستند. آشنا کردن دانش‌آموزان با جریانهای سیاسی- اجتماعی، در یک کتاب، آن هم در کنار آشنا کردن آنان با مشاهیر، تاریخ ادبی و سبکهای ادبی عملی نیست. این اهداف در یک مادهٔ درسی محقق نمی‌شوند. اگر کسی بخواهد تحولات ادبی را در یک دورهٔ تاریخ ادبیات بررسی کند، یک کتاب کافی نیست. چنان‌که مثلاً کتاب تاریخ تطور نثر فارسی را مرحوم ملک الشعرا بهار در سه جلد نوشته است که امروزه ناکافی دانسته می‌شود.

با توجه به منابع گردآوری داده‌های مربوط به این سؤال، می‌توان نتیجه گرفت که ارزیابی متخصصان و دبیران از تحقق اهداف اهداف برنامهٔ درسی در دو قلمرو شناختی و مهارتی این است که اهداف در سطح مطلوب تحقق پیدا نکرده‌اند. نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی نیز مؤید این امر است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود اهداف درس تاریخ ادبیات در راهنمای برنامهٔ درسی زبان و ادب فارسی دورهٔ متوسطه به دلیل کلی بودن و عدم امکان تحقق، مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

منابع

براتی، مرضیه. (۱۳۸۷). *بررسی و تحلیل مکتب‌های ادبی درتاریخ ادبیات پایهٔ دوم و سوم متوسطه*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیروان.

براون، ادوارد. (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات ایران*، (ترجمهٔ علی‌پاشا صالح و همکاران). تهران: مروارید.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۴). موضوع و مواد تاریخ ادبیات. در *دربارهٔ تاریخ ادبیات* (صص. ۴۸-۵۴)، چاپ اول. تهران: سمت.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۴). *دربارهٔ تاریخ ادبیات*، چاپ اول. تهران: سمت.

حق‌شناس، مریم. (۱۳۹۲). *نگاهی انتقادی و تحلیلی بر سیر تاریخ ادبیات در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی. (۱۳۸۶). *راهنمای برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه* – زمستان(۱۳۷۵)– بازنگری و ویرایش جدید. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.

زرقانی، مهدی. (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی*: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانهٔ سده پنجم: *به انضمام نظریهٔ تاریخ ادبیات*. تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۹). کاستی‌های روش‌شناسانه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی. *نامهٔ فرهنگستان، ۱۱* (۴)، ۲۶-۴۰.

_____ (۱۳۹۴). گفتمان‌های معاصر و سنّت تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران. *نامهٔ فرهنگستان، ۱۵* (۲)، ۳۹-۶۰.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *از گذشتهٔ ادبی ایران*، چاپ اول. تهران: الهدی.

سارلی، ناصرقلی. (۱۳۹۲). رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی. مجله *فنون ادبی*، ۵ (۲)، ۸۹-۱۰۸.

سجادی، صادق. (۱۳۷۷). نگاهی به تاریخ ادبیات‌نگاری و منابع آن در قلمرو سخن فارسی. *نامهٔ فرهنگستان*، ۴ (۱)، ۲-۲۰.

سلطانی، منظر. (۱۳۸۰). بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران، از ۱۲۸۵ هـ ش. (مشروطه) تا ۱۳۳۲ هـ ش. *مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۴۵ (۱۵۷)، ۴۰۳-۴۲۰.

_____ (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی و انتقادی وضعیت تاریخ ادبیات‌نویسی در ایران. در *دربارهٔ تاریخ ادبیات* (صص. ۵۵-۷۸)، چاپ اول. تهران: سمت.

سمیعی‌گیلانی، احمد. (۱۳۸۶). نارسایی‌ها در تدوین تاریخ ادبیات فارسی و ضرورت اصلاح و رفع آنها. در *نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی* (به اهتمام حسن قریبی). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

سیدی، سیدحسین. (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری. *مجلهٔ انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، (۱۴)*، ۱۰۳-۱۱۸.

عطرفی، علی اکبر؛ اکبری‌شلدره، فریدون و حق‌شناس، مریم. (۱۳۹۳). نگاهی انتقادی و تحلیلی به سیر تاریخ ادبیات مدارس از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰. *فصل‌نامهٔ نوآوری‌های آموزشی، ۱۳* (۵۱)، ۵۷-۷۲.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). *نظریهٔ تاریخ ادبیات*، چاپ اول. تهران: سخن.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

کبیری، مسعود. (۱۳۹۳). *ارزشیابی کتاب ریاضی سوم دبستان*. گزارش طرح پژوهشی، تهران، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

کرمی، حجت الله. (بی‌تا). *نقد و بررسی کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱، سال دوم دبیرستان، رشتهٔ علوم انسانی، (از درس ۱ تا ۱۸)*. قابل دسترسی در:

http://adab.tama.ir/site/maghalat/maghale/186

گلچین معانی، احمد. (۱۳۵۰). *تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱ و ۲*. تهران: دانشگاه تهران.

نیکویی، علیرضا. (۱۳۹۰). معرفی و نقد کتاب: تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها (نوشتهٔ مهدی زرقانی). *فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نقد ادبی*، ۴ (۱۵)، ۲۳۱-۲۴۸.

یاحقی، محمدجعفر و فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۹۱). *تاریخ ادبیات ایران و جهان(۱)*- سال دوم آموزش متوسطه- نظری(رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی)- کد۲۴۶/۱. اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.

_____(۱۳۹۱). *تاریخ ادبیات ایران و جهان(۲)*- سال سوم آموزش متوسطه- نظری(رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی)- کد۲۷۶/۱. اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.4.6.5]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]